



در قسمت سوم از فصل سوم شاهد اپیزودی قوی‌تر از دو قسمت پیشین بودیم و اپیزودی در حد و اندازه‌های وست ورلد به نمایش گذاشته شد.

### نقد و بررسی سایر قسمت‌های فصل سوم وست‌ورلد

انتشار: 29 مارس (10 فروردین)

The Absence of Field

فصل سوم - قسمت سوم

## شرح داستان

برعکس اپیزود اول و دوم، اکشن کمی‌تر اما هیجانی بیشتر را تجربه کردیم و سریال از روال کسالت‌بار خودش خارج شد. امیدوار هستیم که این روند ادامه داشته باشد و وست ورلد که در این فصل استارت خوبی نزده است، با روند صعودی این قضیه را به دست فراموشی بسپارد. در اپیزود سوم که با محوریت زندگی شارلوت ساخته شده بود، روال قدیمی سریال در پنهان‌کاری‌ها ادامه داشت و تا انتها به سوالی که از ابتدا پیش آمد بود پاسخی داده نشد: «شارلوت الیزابت هیل» واقعاً کیست؟

شروع کار با یک فلش‌بک به خانه آرنولد و ساخت بدن یک میزبان آغاز شد و سپس شاهد صحبت‌های دلورس با شارلوت و جمله معروف «خودت رو آنلاین کن» بودیم. کسی که حالا بدن شارلوت را در اختیار دارد وظیفه مهم و البته دشواری را برای تقلید از زندگی او بر عهده دارد. هر چند که شارلوت بی‌احساس‌ترین انسان در دو فصل گذشته بود اما مشخص می‌شود که روی دیگر زندگی او بر عهده دارد. شارلوت فعلی که احساساتی غیر قابل کنترل دارد، حتی نسبت به پسرش (نیتان) تعصب به خرج می‌دهد و مردی که می‌خواهد او را اذیت کند به بدترین شکل مجازات می‌کند.

سراک که در سال 2058 (بالتر از بیل گیتس) پولدارترین و مرموزترین فرد روی زمین است و از او به عنوان سیاه‌چاله یاد می‌شود، طی سال‌های مختلف بخش قابل توجهی از سهام شرکت دلوس را خریداری کرده و امکان خصوصی‌سازی را از سران شرکت گرفته است. این خبر در حالی به شارلوت داده می‌شود که او در حال بررسی یکی از 300 روایات غول‌پیکری است که احتمالاً در زد و خوردهای ادامه سریال وارد خواهند شد. شارلوت بالاخره می‌تواند با ترتیب درست از لمس پیغام‌های بی‌معنی، با سراک ارتباط برقرار کند. جاسوس شرکت دلوس خود شارلوت بود و او اطلاعات مهمان‌های پارک (در فورج) را برای سراک ارسال می‌کرده است. سراک به دنبال اطلاعات میزبان‌ها در فورج است و دلورس به دنبال اطلاعات انسان‌ها در ریهوبام.



داستان دیگر حول شخصیت کیلب اتفاق افتاد. او در حال رساندن دلورس به بیمارستان است و تعجب می‌کند که دستگاه علائمی از بروز مشکل نشان نمی‌دهد و البته این به دلیل عدم وجود پلاکت در خون میزبان‌ها است. برنامه Rico که کیلب از آن برای خلاقیت‌هایش استفاده می‌کند، پلیسی در آن اطراف را نشان نمی‌دهد و او متوجه می‌شود که افراد مسلح، پلیس واقعی نیستند. دیدار مجدد دلورس و کیلب زمانی اتفاق می‌افتد که افرادی برای رسیدن به دلورس در حال بازجویی از کیلب هستند.

دلورس دست روی بدترین خاطره کیلب می‌گذارد و او را به رستورانی می‌برد که تمام جزئیات گم شدن مادرش در آنجا را به خاطر دارد. او ثابت می‌کند که کار شرکت Incite فراتر از نظارت در شبکه‌های اجتماعی یا مکان‌یابی است و تمام زندگی انسان‌ها همان چیزی است که آنها تعیین می‌کنند. دلورس که همیشه خودش را در قفس می‌دید حالا متوجه شده که انسان‌ها نیز ممکن است در دنیای واقعی خودشان در قفس باشند.



به کیلب حق انتخاب داده می‌شود: گرفتن پول و فرار کردن یا کمک به دلورس برای یک انقلاب. او کسی است که به پوچی رسیده و از یک تغییر در زندگی‌اش استقبال خواهد کرد: «تو اولین اتفاق واقعی در زندگی من هستی».

همچنین با شواهد محکمی که دلورس به او نشان داد، حالا مطمئن است که 10 تا 12 سال دیگر زنده نخواهد بود. کیلب پیشنهاد دلورس برای همکاری را قبول می‌کند و این شروع یک داستان زیبا و شاید شروع یک تراژدی است.

## نکات اپیزود سوم

دلورس در انتهای فصل دوم با ظاهر شارلوت هیل از پارک فرار کرد. حالا او در بدن خودش قرار دارد و کسی دیگر در بدن شارلوت. اگر شارلوت فعلی توسط دلورس ساخته شده باشد، چه کسی این دلورس را ساخته و گوی او را بدنش قرار داده است؟ ضمن اینکه با توجه به صحبت‌های پرمحبت دلورس اولین حدس‌ها این است که تدی در قالب شارلوت قرار دارد. هر چند که کمی ساده‌لوحانه بنظر می‌رسد.

گوی‌هایی که دلورس/شارلوت از پارک خارج کرد همگی خاکستری بودند. می‌دانیم که گوی‌های قرمز مربوط به میزبان‌های نیمه‌انسان مثل برنارد است. بدین ترتیب سوال این است که آن گوی قرمز رنگ مربوط به برنارد است یا کسی دیگر؟



شارلوت خودش را زخمی می‌کند و اذعان می‌کند که بدون اختیار این کار را انجام می‌دهد. در زخم‌های شارلوت دایره‌هایی را می‌بینیم که شبیه به دایره ریهوبام (هنگام شناسایی ناهنجاری) است.

پسر شارلوت بسیار شبیه به پسر برنارد/آرنولد است. آیا این دو یک شخص یا یک خاطره مشترک هستند؟ ضمن اینکه جیک (شوهر سابق شارلوت) او را «چارلی» صدا می‌زند. چارلی نام پسر آرنولد است (تصویر زیر).





در سال 2058 فیل وجود ندارد؛ این چیزی است که در مکالمه با نیتان می‌شنویم. همچنین ماشین‌های پلیس در آن زمان با شناسایی چهره روشن می‌شوند و البته این فناوری در حال حاضر نیز در بسیاری از وسایل تعبیه شده است. ایمپلنتی در دهان کیلب وجود دارد که بنظر می‌رسد آن هم هک می‌شود و با یک تبلت کنترل احساسات و دردها قابل تغییر است (البته که وابستگی به فناوری تاوان نیز دارد). دیگر فناوری‌ای که به آن اشاره شد عینک هوشمندی است که شارلوت در مصاحبه با سراک استفاده کرد. بنظر می‌رسد که بدون عینک یا لنز هوشمند صحبت با یک تصویر سه‌بعدی امکان‌پذیر نیست. در اپیزود اول نیز دلورس عینک جری را روی صورتش قرار داد و پس از آن بود که به اشتباه دلورس واقعی و تصویر شبیه‌سازی را از یکدیگر تشخیص نداد.

چهره جیک آشنا است. در اپیزود اول دیدیم که کیلب دوستش فرانسیس را از دست داده است و او به عنوان یک کابوس در خواب‌ها یا یک خاطره بد در یادش باقی مانده است. با توجه به فلش‌بک‌هایی که سریال به آن زمان انداخت تصویری از چهره‌ی فرانسیس را داریم که بنظر همان جیک است!



تاریخ انتشار:

13 فروردین 1399

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/entertainment/16745/%D9%86%D9%82%D8%AF-%D9%88-%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D9%82%D8%B3%D9%85%D8%AA-%D8%B3%D9%88%D9%85-%D8%A7%D8%B2-%D9%81%D8%B5%D9%84-%D8%B3%D9%88%D9%85-%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%84-westworld>